زیبایی‌شناسی به تحلیل و تفسیر آن‌ها دست می‌زند. البته این به‌معنای عدم توانایی خبرنگار در تحلیل اخبار نیست. ممکن است خبرنگاری صاحب نظر و قوه تحلیل هم بوده و در قالب گزارش یا یادداشت به تفسیر خبر هم بپردازد، اما به‌شکل اولی و غالب. خبرنگاران مفسران خبر نیستند، بلکه انتقال‌دهندگان خبرند و این خود یک هنر ویژه در نویسندگی است به این معنا که آن‌ها با تسلط بر تکنیک‌ها و تمهیدهای خبرنویسی به تنظیم حرفه‌ای خبر دست می‌زنند و آن را خواندنی می‌کنند. ضمن این که خبرنگاران با استفاده از آیتم‌هایی مثل مصاحبه و گزارش می‌توانند به یک عنصر و عامل تأثیرگذار در مناسبات سینمایی بدل شوند، اما نقد فیلم یک کار تخصصی و مستقل است که صرفاً مبتنی بر عنصر خبر نیست و نیازمند آشنایی و تسلط فرد بر اصول زیبایی‌شناسی، فیلم‌شناسی و اطلاعات جانبی در حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، شناخت ادبی و تئوری‌های نظری در زمینه فیلم است.

اما آنچه در سال‌های اخیر شاهد هستیم، آش شله‌قلم‌کاری است که خبرنگار سینما در مقام منتقد ظاهر شده است و درباره یک فیلم نه‌فقط اظهارنظر تخصصی که حتی حکم صادر می‌کند یا فردی با یکی، دو مطلب مطبوعاتی که بیشتر به خاطره‌نویسی یا ریویوی فیلم شباهت دارند، خود را منتقد معرفی می‌کند. این اتفاق به‌ویژه در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی زیاد رخ می‌دهد. خبرنگاری که دو خط درباره یک فیلم را به پست اینستاگرامی خود تبدیل می‌کند، خود را منتقد می‌داند و زیر مطلبش هشتک منتقد سینما می‌زند. ازسوی‌دیگر به‌عنوان منتقد در جدول ارزش‌گذاری فیلم‌ها حضور دارد و به آن‌ها ستاره می‌دهد؛ خبرنگارانی داریم که در برنامه‌های رادیو و تلویزیون یا نشست‌های نقد و بررسی فیلم‌ها به‌عنوان منتقد حضور می‌یابند و به نقد فیلم می‌نشینند. با این سوءظن یا سوءتفاهم که چون مثلاً درباره فلان فیلم یا فیلمساز اطلاعاتی دارند و اخباری تولید کرده‌اند یا مثلاً از پشت صحنه تولید یک اثر و چگونگی فرآیند تولید یک فیلم مطلع‌اند، پس می‌توانند درباره آن فیلم از حیث سینمایی و زیبایی‌شناسی اظهارنظر کنند. مشکل اصلی در همین جاست که فرق بین اظهارنظر و نقد را نمی‌دانند و گمان می‌کنند بیان کردن احساسی که به یک فیلم دارند، نقد محسوب می‌شود. واقعیتش این است که برخی خبرنگاران سینمایی پشت عناوین منتقد و نویسنده سینمایی به دنبال تشخص حرفه‌ای و هویت‌طلبی شغلی هستند تا به‌گمان خود، پرستیژ اجتماعی بیشتری داشته باشند. بخشی از این رویکرد شاید به این دلیل باشد که معمولاً نام خبرنگاران پای خبرشان نوشته نمی‌شود و خیلی‌ها آن‌ها را نمی‌شناسند، اما نام منتقد و نویسنده سینمایی پای نقدها و یادداشت‌ها می‌آید و غالباً منتقدان سینمایی شناخته‌شده‌تر از خبرنگاران هستند و این مسئله موجب می‌شود آن‌ها به‌دلیل تثبیت شهرت حرفه‌ای خود در کسوت منتقد ظاهر شوند. این درحالی است که یک خبرنگار سینمایی اگر کارش را بلد باشد و درست انجام دهد، می‌تواند تأثیرگذارتر از یک منتقد سینمایی باشد. منتقد فیلم بودن فی‌نفسه فضیلت نیست، آن‌چه فضیلت است؛ منتقد خوب بودن یا خبرنگار خوب بودن است. در بازخوانی این خلط شغلی می‌توان به رویکرد و عملکرد انجمن منتقدان سینما هم اشاره کرد. بیش از نیمی از اعضای این انجمن، خبرنگاران سینمایی هستند، نه منتقدان! خبرنگاری که کارت انجمن منتقدان سینمایی را در جیب دارد به‌الطبع خود را منتقد فرض می‌کند و از زبان منتقد درباره فیلم‌ها حرف می‌زند. ظاهراً عنوان نویسنده سینمایی در انجمن به همان خبرنگار تعبیر شده است. درحالی که سینمایی‌نویسان شامل کسانی هستند که نه درباره فیلم‌ها از حیث ساختاری که درباره آن‌ها از منظر برون‌متنی یا درباره اتفاقاتی که در سینما رخ می‌دهد یادداشت یا گزارش تحلیلی می‌نویسند و این البته می‌تواند توسط یک خبرنگار هم که قلم تحلیلی دارد اتفاق بیفتد، اما لزوماً نویسنده سینمایی همان خبرنگار نیست. از همه این‌ها مهم‌تر این که خبرنگاری سینما خود صاحب شأن و جایگاه رسانه‌ای است و هویت اجتماعی قابل احترامی دارد و هیچ لزومی ندارد تا در کسوت منتقد برای خود تشخص حرفه‌ای کسب کند. خیلی از منتقدان حتی بهترین آن‌ها شاید نتواند از پس کارهایی برآید که یک خبرنگار انجام می‌دهد؛ مثلاً یک مصاحبه خوب بگیرد یا گزارش جذابی بنویسد یا خبر خوبی تنظیم کند؛ لذا یک خبرنگار حرفه‌ای بودن بهتر از منتقد صوری بودن است. با این حال این عدم تفکیک و تمایز بین منتقد و خبرنگار موجب شده است تا هم هویت حرفه‌ای هر دو حرفه مخدوش شود، هم به بدبینی سینماگران به آن‌ها دامن بزند؛ خبرنگاری که در مقام منتقد به اظهارنظر تخصصی درباره فیلم می‌پردازد ممکن است چیزهایی بگوید که خیلی پرت و بی‌ربط باشد و آن‌گاه سینماگران نه‌فقط آن شخص که کل جامعه منتقدان را به بی‌سوادی متهم کنند.

اگر بپذیریم که همه مشاغل محترم‌اند و هرکدام جایگاه و کارکردهای خاص خودشان را دارند و می‌توانند در همان جایگاه تأثیرگذار باشند، قطعاً از این فضای مخدوش و تولد منتقدان یک‌شبه یا خبرنگاران نیم‌بند رهایی می‌یابیم و سینما نیز از این تفکیک هویت شغلی، بهره خواهد برد. نه خبرنگاری، خبربیاری است و نه نقد فیلم، تعریف کردن فیلم است.

نقد و مکاشفه درونی منتقد

با بسط فناوری‌های ارتباطی و توسعه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با پدیده‌ای به اسم «منتقدان فیلم مجازی» مواجه هستیم که گمان می‌کنند نگارش و روایت احساس‌شان به یک فیلم و خوشامد یا بدآمد از یک فیلم، نامش «نقد» است! درواقع شاهد یک تشتت آراء درباره مفهوم نقد و نقادی هستیم که موجب شده «نقد حرفه‌ای» از شأنیت خود تهی شده و از اعتبارش کاسته شود. ما امروز نه‌فقط با سینمای مبتذل که با نقد مبتذل هم مواجه هستیم. نقدهای پیش‌پاافتاده و دم‌دستی که اظهارنظر شخصی را به‌نام نقد تعریف می‌کنند. بدیهی است که هر فردی می‌تواند صاحب دیدگاه شخصی درباره آثار هنری از جمله فیلم‌های سینمایی باشد. اساساً این خوانش مخاطب است که اثر هنری را قوام و دوام می‌بخشد، اما مشکل از آنجایی شروع می‌شود که «نظر» را با «نقد» اشتباه بگیریم. «نظر» یک داوری شخصی درباره یک رخداد یا اثر است، اما «نقد» یک ارزیابی زیبایی‌شناختی و روشمند درباره اثر است که مبتنی بر متدهایی هنری صورت می‌گیرد، همچنین روش و رویکرد دارد و براساس نگرش و نگارش هویتمندی بنا می‌شود. در آکادمیک‌ترین شکل خود، نقد فیلم مبتنی بر نظریه‌های فیلم یا تئوری‌های زیبایی‌شناختی نوشته می‌شود یا در خوانش‌های بینارشته‌ای با ارجاع به تئوری‌های علوم انسانی. اظهارنظرهای مجازی اما بیشتر احساسات خام و پردازش‌نشده و فاقد پشتوانه‌های نظری و زیبایی‌شناسی است که منطق دراماتیک ندارد و اغلب ناشی از بدفهمی مفاهیم سینمایی است. مثلاً از جمله این بدفهمی‌ها که درباره فیلم «برادران لیلا» صورت گرفت، تفسیرها و خوانش‌های نمادین و نشانه‌شناختی از آن بود که گاه به نکاتی ارجاع داده می‌شود که حیرت‌انگیز است و با هر گفتمان نشانه‌شناسانه‌ای نمی‌توان فهمی دچطور چنین تأویل‌هایی از فیلم صورت گرفته است؛ رمزگشایی‌هایی که خود نیازمند رازگشایی است؛ چنان‌که درباره «برادران لیلا» باید گفت که دچار ابتذال نشانه‌شناختی و نمادگرایی شده و آنقدر هرکس هر جزء فیلم را به کلی نمادین بیرون از متن اثر ارجاع داده که یک روز کارگردان باید بیاید و اعلام کند که هیچ‌کدام از این نمادها و نمادپردازی‌ها مقصود او نبوده است! نقدهای نمادپردازانه خاستگاه روانکاوانه دارد. با رشد علم روانکاوی به حیطه نقد هنری وارد شده اما گاه آنقدر راه افراط پیموده که می‌گویند روزی فروید گفته بود: «گاهی سیگار فقط یک سیگار است» تا بر این نکته تأکید کرده باشد که همیشه و همه‌جا هر ابژه‌ای نماد ابژه دیگر نیست. حالا انگار این رویکرد در تأویل‌های نمادگرایانه فیلم «برادران لیلا» هم رخ داده و آنقدر راه افراط پیموده که انگار هیچ صحنه، کنش و شخصیتی خودش نیست، بلکه نماد و نشانه چیز دیگری است. جالب اینکه این نمادپردازی‌های افراطی از سوی دو قطب مخالف و موافق فیلم علیه هم استفاده می‌شود و هر طیفی می‌خواهد نمادهایی را از فیلم بیرون بکشد که در تضاد با نمادپردازی‌های طیف مقابل باشد. نمادهایی که بیشتر خوانش ذهنی مخاطب است، نه مقصود مؤلف. نه‌فقط سینما که نقد سینما هم نیازمند بازنگری است تا عیار آن در غبار بدفهمی‌ها روشن شود. «مهرزاد دانش» از منتقدان شناخته‌شده که در هفتمین جشن نوشتاری بزرگداشت او برگزار شد، بعد از دریافت جایزه خود به نکته خوبی درباره تجربه نقدنویسی اشاره کرد که می‌تواند حسن خطاب خوبی برای این گزارش باشد. او گفت: «روزهای اولی که در مجله فیلم حضور داشتم، سر پر بادی داشتم و فکر می‌کردم باید به همه آموزش بدهم و ایراد کارها را بگیرم اما بعدها به این نتیجه رسیدم که بحث نقد فیلم نوعی گفت‌وگو با خویشتن است و من به‌عنوان نویسنده، مکاشفه و شهودی که در دنیای سینماگر کشف کرده‌ام روی کاغذ می‌آورم و در مراحل بعد، این تجربه‌ها را با هم سهیم می‌شویم.»

بسترهایی بی‌کران که شبکه‌ها و فضاهای مجازی پدید آورده‌اند، شور و اشتیاقی افسارگسیخته را میان برخی نویسندگانِ جدید به وجود آورده است که البته همین بسترها باعث بی‌حوصلگی در بین سطرهای نوشته‌های نویسندگان شده است که این مهم در تعداد نه‌چندان کمی از آثار ارسالی به هفتمین جشن نوشتار سینمای ایران هم کاملاً مشهود بود و یک زنگ خطر جدی محسوب می‌شود

سازمان ثبت و اسناد املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
شناسه آگهی: ۱۷۴۸۱۹۸
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۲۰۲۶۰۰۶۳۱۶ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۲ هیات یک موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی، مالکیت آقای عبدالحسین علی‌اکبری خوندابی به شماره شناسنامه ۱۹۶۷ کد ملی ۱۲۸۵۷۲۳۴۲۲ صادره از اصفهان فرزند محمدعلی نسبت به شش‌دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۴۴/۷۵ مترمربع از پلاک شماره ۱۳۹۰۰ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان از مالک رسمی آقای اسداله طوطیان از سند شماره ۱۴۱۲۴ مورخ ۱۳۳۶/۱۱/۱۵ دفترخانه ۶۵ اصفهان. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۴/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱
سیداسدالله موسوی - رئیس ثبت اسناد و املاک

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان - منطقه ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان
شناسه آگهی: ۱۷۴۷۹۸۴
آگهی فقدان سند مالکیت
چون مالک مشاعی پلاک ۴۷ فرعی از ۱۴۸۷۴ اصلی، بخش ۰۵ ثبت اصفهان، مدعی مفقود شدن سند مالکیت که با مشخصات مالکیت: مالکیت محمود/ میرقادری فرزند حبیب‌اله شماره شناسنامه ۱۱۴۲ تاریخ تولد ۱۳۳۳/۰۹/۲۶ صادره از اصفهان دارای شماره ملی ۱۲۸۵۴۷۸۰۵۳ (با جز سهم ۲۲۰ از کل سهم ۱۴۵۵۰۰ به‌عنوان مالک دویست و بیست سهم مشاع از صد و چهل و پنج هزار و پانصد سهم عرصه و اعیان) متن سهم: هفتادوسه سهم و یک سوم سهم مشاع از یکصد و ده سهم مشاع از ۴۸۵۰۰ سهم شش‌دانگ که با شماره چاپی ۳۱۸۷۶۷ در صفحه ۲۶۲ دفتر ۵۷۹ ذیل شماره ۱۰۶۰۲۷ با شماره مستند مالکیت ۷۱۶۱۷ تاریخ ۱۳۶۹/۰۶/۰۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۶ شهر اصفهان استان اصفهان، ثبت گردیده است که در ابتدا ۱۱۰ سهم مشاع از ۴۸۵۰۰ سهم شش‌دانگ به نام روشنک نائب‌پور فرزند رضا دارای سابقه ثبت می‌باشد که تمامی آن طبق مستند مذکور با چاپی آن به مالک فعلی (میرقادری) منتقل که مالک میزان ۳۶ دوسوم سهم آن را طبق سند ۸۲۲۶۹ مورخ ۷۱/۰۷/۲۵ به غیر انتقال یافته است. اکنون نامبرده درخواست صدور سند مالکیت المثنی پلاک فوق را نموده است. لذا به استناد تبصره یک اصلاحی ذیل ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روز اعتراض خود را کتباً ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید اخذ نمائید تا مراتب صورت مجلس و اصل سند مالکیت به ارائه‌کننده سند مسترد گردد. بدیهی است اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسید یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اقدام به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات خواهد شد.
سیداسداله موسوی - رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان

آگهی ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان کهک تصرفات مالکانه مفروزی متقاضیان پرونده‌های تشکیلی طبق قانون، تعیین تکلیف را براساس گزارش کارشناسان منتخب اداره ثبت و به استناد مدارک موجود در پرونده به شرح آرای ذیل تایید نموده‌اند. ۱-رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۰۰۰۴۰۰۰۰۶۱ پرونده کلاسه ۱۴۰۱۱۱۴۴۳۰۰۰۴۰۰۰۰۱۶ مجتبی یل زاده فرزند ابوالفضل در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۴۶۷۳/۱۲ مترمربع پلاک شماره ۲۶۷ فرعی از ۳۴ اصلی واقع در قم بخش حوزه ثبت ملک کهک متقاضی مالک رسمی سه دانگ مورد تقاضا بوده و سه دانگ دیگر پلاک را نیز برابر مبایعه‌نامه عادی مع‌الواسطه از ورثه نوراله حسینی خریداری کرده است. (م الف ۱۷۲۸۴۸۵) که مورد تایید قرار گرفته و از آنجایی که مقرر گردیده پس از نشر آگهی و انقضای مورد مقرر سند مالکیت رسمی صادر گردد با توجه به عدم دسترسی به مالکین مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه اشخاص ذینفع اعتراضی داشته باشند ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد شهرستان کهک تسلیم و رسید آن را اخذ و ظرف مدت یک ماه پس از تسلیم اعتراض به اداره ثبت به دادگاه مراجعه و دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم و گواهی آن را به این اداره تحویل نمایند لازم به توضیح است که صدور سند براساس قانون مذکور مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۴/۱۶
جعفر شکوری - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک کهک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک قم تصرفات مالکانه مفروزی متقاضیان پرونده‌های تشکیلی طبق قانون، تعیین تکلیف را براساس گزارش کارشناسان و به استناد مدارک موجود در پرونده به شرح آرای ذیل تایید نموده‌اند.
۱-رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۰۰۰۱۰۰۲۵۰۳ پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۰۰۲۷۴ آقای عبداله شهبازی فرزند محرمعلی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۷۱/۵۰ مترمربع پلاک شماره ۱۴۸ اصلی واقع در قم بخش چهار حوزه ثبت ملک اداره یک قم مبایعه‌نامه عادی مع‌الواسطه از غضنفر سعادتمند سند مالکیت مشاعی صادره در دفتر ۳۹ صفحه ۳۶۱ (م الف ۱۷۲۸۴۸۸)
۲-رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۰۰۰۱۰۰۲۳۴۶ پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۰۲۷۸۲ آقای اشرف زائری امیرانی فرزند حسن در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ششدانگ ۹۰ مترمربع پلاک شماره ۱۱۰۳۹ اصلی واقع در قم بخش یک حوزه ثبت ملک اداره یک قم مبایعه‌نامه عادی مع‌الواسطه از محمدهادی یزدیان سند مالکیت مشاعی صادره در دفتر ۲۰۶ صفحه ۴۰۰ خریداری به موجب سند رسمی شماره ۳۷۲۰۹ مورخ ۵۶/۳/۱۲ دفترخانه ۴ قم (م الف ۱۷۲۸۴۸۸)
۳-رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۰۰۰۱۰۰۲۳۴۷ پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۰۲۷۸۳ آقای حسین رمزی فتوحی فرزند اسمعیل در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ششدانگ ۹۰ مترمربع پلاک شماره ۱۱۰۳۹ اصلی واقع در قم بخش یک حوزه ثبت ملک اداره یک قم مبایعه‌نامه عادی مع‌الواسطه از محمدهادی یزدیان سند مالکیت مشاعی صادره در دفتر ۲۰۶ صفحه ۴۰۰ خریداری به موجب سند رسمی شماره ۳۷۲۰۹ مورخ ۵۶/۳/۱۲ دفترخانه ۴ قم (م الف ۱۷۲۸۴۸۸)
۴-رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۰۰۰۱۰۰۲۷۸۴ پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۰۳۰۰۹ خانم فرح اسم خانی فرزند عربعلی در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۵۳/۷۵ مترمربع پلاک شماره ۱۰۹۷۷ اصلی واقع در قم بخش یک حوزه ثبت ملک اداره یک قم سند رسمی شماره ۵۰۱۶۶ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۴ دفترخانه ۴۲ قم (م الف ۱۷۲۸۴۸۸)
۵-رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۰۰۰۱۰۰۰۸۱۹ پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۰۲۹۹۸ آقای حسن ولی فرزند حسین در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۹۵/۸۰ مترمربع پلاک شماره ۶۴۵۵/۱ اصلی واقع در قم بخش یک حوزه ثبت ملک اداره یک قم سند مالکیت مشاعی صادره در دفتر ۲۸۱ صفحه ۳۹۴ خریداری به موجب سند رسمی شماره ۷۷۴۲۶ مورخ ۱۳۷۸/۰۷/۱۷ دفترخانه ۵ قم (م الف ۱۷۲۸۴۸۸)
۶-رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۰۰۰۱۰۰۳۲۶۵ پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۰۲۴۹۱ آقای حسین خشنودیان فرزند تقی در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۰۰ مترمربع پلاک شماره ۱۰۶۵۹/۲ اصلی واقع در قم بخش یک حوزه ثبت ملک اداره یک قم مبایعه‌نامه عادی مع‌الواسطه از شهاب اشراقی به موجب اظهارنامه شماره ۱۸۳۹۱ مورخ ۱۳۳۸/۱۲/۰۷ ثبت قم (م الف ۱۷۲۸۴۸۸)
۷-رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۰۰۰۱۰۰۲۷۷۰ پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۰۲۴۳۹ آقای سید محمد حسینی فرزند سیدمهدی در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۱۸/۵۰ مترمربع پلاک شماره ۱۰۴۳۴/۲ اصلی واقع در قم بخش یک حوزه ثبت ملک اداره یک قم ۱-سند مالکیت مشاعی صادره در دفتر ۵۳۰ صفحه ۴۱۱ خریداری از غلامعلی رضا همتی و اعظم السادات حسینی به موجب سند رسمی شماره ۳۸۴۳۲ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۰۷ دفترخانه ۲۹ قم نسبت به ۹۸ سهم ۲ - مبایعه‌نامه عادی مع‌الواسطه از غلامعلی رضا همتی نسبت به ۲۰ سهم (م الف ۱۷۲۸۴۸۹)
۸-رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۰۰۰۱۰۰۲۹۲۱ پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۰۰۹۳۳ آقای ابوالفضل نادعلی قنبری فرزند مشهدی رضا در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۲۵/۹۵ مترمربع پلاک شماره ۱۱۲۳۰/۱۳۶ اصلی واقع در قم بخش یک حوزه ثبت ملک اداره یک قم مبایعه‌نامه عادی مع‌الواسطه از ابراهیم اصغری سند مالکیت مشاعی صادره در دفتر ۱۸۷ صفحه ۴۵۳ خریداری به موجب سند رسمی شماره ۳۹۷۹۵ مورخ ۱۳۵۶/۰۲/۲۷ دفترخانه ۶ قم (م الف ۱۷۲۸۴۸۹)
۹-رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۳۰۰۰۱۰۰۱۲۰۵ پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۳۰۰۰۱۰۰۰۰۹۳ حسین علی کلهر فرزند محمود در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۵۴۲ مترمربع پلاک شماره ۱۱۵۰۷ اصلی واقع در قم بخش یک حوزه ثبت ملک اداره یک قم ۱- مبایعه‌نامه عادی از سایر وراث مرحوم محمود کلهر بنام‌های مرتضی و شهناز و غلامرضا همگی کلهر و زهرا بهرامی به احدی از وراث که متقاضی است که مالکیت مرحوم محمود کلهر به موجب سند رسمی شماره ۵۲۵۴۲ مورخ ۱۳۳۹/۰۹/۱۹ دفترخانه ۸ قم ۲- بانضمام سهم الارث به موجب دادنامه حصر وراثت شماره ۱۵۷۷ مورخ ۱۳۸۹/۸/۱۹ شورای حل اختلاف قم (م الف ۱۷۲۸۴۸۹)
و از آنجایی که مقرر گردیده پس از نشر آگهی و انقضای مورد مقرر سند مالکیت رسمی صادر گردد با توجه به عدم دسترسی به مالکین مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه اشخاص ذینفع اعتراضی داشته باشند ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد منطقه یک قم تسلیم و رسید آن را اخذ و ظرف مدت یک ماه پس از تسلیم اعتراض به اداره ثبت به دادگاه مراجعه و دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم و گواهی آن را به این اداره تحویل نمایند لازم به توضیح است که صدور سند براساس قانون مذکور مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۴/۱۶
رضا حسین‌خانی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک قم

گرامافون

در ستایش بداهه‌نوازی

به بهانه انتشار اثری بداهه از محمدعلی کیانی‌نژاد و شهرام میرجلالی

عطا نویدی
پژوهشگر موسیقی ایرانی

قله هنر موسیقی ایرانی بداهه‌پردازی است. هنرمند موسیقی ایرانی راه درازی را از هنرجویی طی می‌کند تا به یک نوازنده یا خواننده تبدیل شود اما تسلط او بر روایات مختلف ردیف و کارگان موسیقی ایرانی، تسلط بر سازوامکانات صوتی، ذهنیت منحصربه‌فرد و شناخت کامل‌اش از فرهنگ جغرافیایی‌اش می‌تواند او را به یک بداهه‌پرداز بدل کند که اگر چنین شود، او یکی از شروط اولیه مرتبه استادی را کسب کرده است.

ظهور بداهه در محفل است. اینکه گفته می‌شود موسیقی ایرانی موسیقی محفلی است در همین راستاست. محفل در موسیقی ایران نقش پررنگی در شکل‌گیری بسیاری از بداهه‌پردازی‌ها دارد. در دهه‌های گذشته محافل موسیقایی با حضور هنرمندان شاخص موسیقی پررنگ بود و آثاری خلق می‌شد که برخی ثبت و ضبط می‌شدند و برخی نیز در همان محفل می‌ماند و به عالم فنا سپرده می‌شد. مجموعه آلبوم «بداهه» یکی از همین دست آثار است که در دهه ۷۰ در محافلی بسیار خصوصی توسط سه هنرمند ارجمند، محمدعلی کیانی‌نژاد، شهرام میرجلالی و سعید رودباری خلق شده و خوشبختانه ثبت و ضبط شده است. این آلبوم حاصل همنشینی این سه هنرمند برجسته و نگاه دقیق و ویژه آن‌ها به ردیف موسیقی ایرانی است و آن‌چه در این مجموعه می‌شنویم درک و دریافت عمیق آن‌ها از کارگان موسیقی ایران، این میراث کهن هنری ایرانیان است. آلبوم «بداهه» در چهار لوح فشرده و مجموعاً چهار ساعت تولید و به بازار موسیقی عرضه شده که در نوع خود اتفاق کم‌نظیری است. در روزگاری که موسیقی‌های بی‌هویت یک‌دقیقه‌ای جای موسیقی جدی را گرفته و خوانندگان جدی موسیقی ایران هم به سمت‌وسوی پاپ‌خوانی و جذب‌مخاطب حداکثری رفته‌اند، سرمایه‌گذار و همچنین ناشر این اثر دست به تولید این آلبوم زدند تا تشنگان این هنر والا از این هنر بهره ببرند. مراسم رونمایی از آلبوم «بداهه» شامگاه ۱۱ تیرماه در فرهنگسرای ارسباران در حالی برگزار شد که نیمی از جمعیت، این مراسم را ایستاده دنبال کردند. این مراسم با پیام تصویری حسین علیزاده آغاز شد و با سخنان داود گنجه‌ای، بیژن کامکار، مرتضی اعیان، شهرام میرجلالی، میرعلیرضا میرعلینقی، اردشیر کامکار، سعید رودباری و سیدعباس سجادی که برخی به‌صورت پیام تصویری بود، ادامه یافت. در این برنامه سه گروه اصفهان، تیروژ و جوانان اجرای برنامه کردند و حسین علیشاپور و وحید تاج نیز قطعاتی اجرا کردند، اما ستاره این مراسم بی‌شک محمدعلی کیانی‌نژاد بود. بخش اعظمی از این مراسم به نکوداشت مقام هنری این هنرمند مهجور اختصاص یافت که به همت جمعی از شاگردان او برگزار شد. محمدعلی کیانی‌نژاد یک استاد موسیقی کامل است. نوشتن درباره این هنرمند بزرگ امر آسانی نیست. او وجوه کاری فراوانی دارد. کیانی‌نژاد یک معلم و نوازنده نی برجسته است. او پرورش‌یافته مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایرانی است و در کنار هنرمندانی همچون حسین علیزاده، پرویز مشکاتیان، داود گنجه‌ای و بسیاری دیگر در آن مرکز از سرچشمه‌های موسیقی بهره برده است. تکنیک نوازندگی او چه در زمانه خود، چه در حال حاضر از برجسته‌ترین نمونه‌ها محسوب می‌شود.

او نخستین کتاب آموزشی نی را در تاریخ موسیقی ایران نوشت و راه آموزش آکادمیک ساز نی را برای دیگر هنرمندان گشود. او یکی از بزرگترین آهنگسازان ۵۰ سال گذشته موسیقی ایران است. شناخت او از شعر به غایت است. کیانی‌نژاد صدایی خوش دارد و بر خوانندگی مسلط است. تنظیم‌های کم‌نظیرش در موسیقی پهلو به پهلوی دیگر بزرگان تاریخ موسیقی این سرزمین می‌زند. خدمات او به گروه‌نوازی در موسیقی ایرانی بر کسی پوشیده نیست و درنهایت چنان چه در این آلبوم می‌بینیم، از بزرگان بداهه‌نوازی است. در همین سطور و فهرست‌وار ویژگی‌هایی را از محمدعلی کیانی‌نژاد برشمردم که هرکدام برای یک فرد کافی است. استاد محمدعلی کیانی‌نژاد پرده‌نشین موسیقی ایرانی است که هرکدام از آثارش بر تارک آسمان هنر این سرزمین می‌درخشد. عمرش دراز باد و همواره در سلامت!